فطرت توحد گرای ذهن انسان و مسأله تعدد قرائات

صفحه ششم بودیم، فرمودند:

> قلت: و کلامه هذا بظاهره قد یخالف کلامه السابق من أنّالکلّ نزل بحرف واحد و هو «المقاصد العلیة» و الجمع بینهما ممکن. تمّإنّه لو ثمّ کان تجمیع القراءات متواترة، إذا من قراءة إلاّ و بعض ما تألّفت منه متواتر قطعاً کمواقع الاجتماع إلاّ أن یقال بأنّالمراد أنّما یفارق غیر السبع السبع لا متواتر فیه بخلاف السبع فإنّ ما تفارق به غیرها أکثره متواتر. و فیه: أنّتواتر ما تمتاز به هذه القراءات عن البواقی مع عدم علم أصحابها بعیدٌ کما سمعت مثله فی هذه السبع[1]

«تمّإنّه لو ثمّ کان تجمیع القراءات متواترة»؛ ان شالله امروز این عبارات را میخوانیم.

قبل از آن، نکاتی را که در بین هفته برخورد کردهام عرض میکنم. چند روز پیش بود که آقایی تشریف آورده بودند و صحبت شد. شاید هم جلسه چهارم یا پنجم است که از آن گذشته است. آقا تشریف آورده بودند به اینجا، به گوشش تعبیری یک دلیل بر تعدد قرائات خورده بود، من صحبت کردم ولی یک جملهای گفتند که برای خود من هم جالب بوده و همین الآن هم برای من جالب است. چون کلیدی برای بسیاری از مباحث است. ایشان گفتند طبیعت، فطرت و اقتضای امر این است که یک عبارت را به یک صورت میخوانند. چند جور خواندن آن که خلاف اقتضاء خود امر است.

همینطور هم هست؛ یعنی فطرت نوع انسانها بر همین است که میگویند یک عبارت را که چند جور

نمی نویسند و چند جور هم نمیخوانند. بلکه یک عبارت را یک جور مینویسند و یک جور میخوانند.

این حرف ایشان بود. همانی است که عرض کردم رسم مقرئی هم بر افراد القرائه بود. ابن جزری در

النشر در یک فصل نسبتاً خوبی تاریخ آن و اینکه افراد القرائه چه بوده را توضیح داد.

این چیزی که ایشان گفتند ناشی از ذهن بشر است؛ یعنی طوری که خدا آن را آفریده و در مرحله ضعف هم قرار دارد، توحد گرا است. یک عبارت را یک جور بنویسید و یک جور بخوانید. یعنی یک معنا هم از آن قصد کنید. همانی است که به تعبیری مرحوم اصفهانی در تفسیرشان، محققین از اصولیین ...؛ آن زمان این را گفتهاند. ایشان در 1308 وفات کردند. صاحب تفسیر مجد البیان، آشیخ محمد حسین اصفهانی مسجد شاهی، تفسیر خیلی عالیای دارند. متأسفانه عمرشان کم بود، تنها بیست آیه سوره مبارکه بقره را تفسیر کردند. ای کاش برای گروهی در حوزه توفیقی باشد که تفسیر ایشان را تا آخر ببرند. یک اعجوبهای بوده. حاج آقا میفرمودند اگر ایشان وفات

نکرده بود، چهل و دو سالگی وفات کردند، بعد از میرزای بزرگ اعلم شیعه میشد. میرزا ۱۴۱۲ وفات کردند.

کمالات علمی و معنوی محمد حسین مسجد شاهی

آشیخ محمد حسین مسجد شاهی، نوه آشیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدین. آشیخ محمد تقی صاحب حاشیه معالم هستند که معروف هستند. ایشان نوه او است.

شاگرد: بیست آیه را در چند وقت تفسیر کردند؟

استاد: تفسیر ایشان قطور است. شاید پانصد صفحه است. نمی دانم چقدر طول کشیده.

من از حاج آقا چند بار شنیدم که فرمودند من از آشیخ محمد حسین کرامتی شنیده‌ام که در عمرم جایی نقل نکرده‌ام. حال چه بوده که میگویند شنیده‌ام اما در عمرم نقل نکرده‌ام. خدا رحمتشان کند. ایشان در تفسیرشان دارند که میگویند محققین از اصولیین میگویند استعمال لفظ در اکثر از یک معنا جایز نیست. پسر ایشان، صاحب وقایه الاذهان، آشیخ محمد رضا محقق اصفهانی که معروف به أبو المجد هستند، که در درسهای خارج متأخر ایشان خیلی مطرح بودند، شاگرد مهم صاحب کفایه بودند. ایشان أبو المامکان است. یعنی أبو امکان استعمال لفظ در اکثر از یک معنا است. جلوتر هم عرض کردم که به گردن ما طلبه‌ها حق دارند. چرا أب شده؟ گمان من این است که چون در ادبیات در قله بوده. یعنی کسی که در ادبیات بسیار بالا بوده، با شواهد عدیده، مطلب را کالشمس کرده؛ یعنی استعمال لفظ در اکثر از یک معنا امکان دارد. لذا بعد از اینکه رساله ایشان در آمد [خودشان] میگویند بعض از زملاء و هم شاگردی های ما در درس صاحب کفایه گفتند که این مردود است. بر آن رديه هم نوشتند. شاید میگویند که آقاضیاء بر من رديه نوشتند. اما بعد میگویند آشیخ عبدالکریم حائری حرف من را پذیرفتند و از من هم جلوتر رفتند. من میگویم اگر قرینه معینه نبود لفظ مجمل میشود، ایشان گفته‌اند اگر قرینه‌ای نبود در تمام معانی ظهور دارد.

شاگرد: ایشان معاصر با کدام یک از مراجع هستند؟

استاد: ایشان شاگرد صاحب کفایه بودند. همانی است که با استادشان شوخی کردند. ایشان عمده ادله‌ای که میگوید استعمال محال است را جواب میدهند. به تعبیری مرحوم آقای عراقی بند لفظ پرانی معنا پرانی است. کسی که توجه به لفظ ندارد. لفظ فانی در معنا است. در فناء هم که دو فن معنا ندارد. این یکی از استدلالات مهم بود[2].صاحب وقایه میگویند به استادم صاحب کفایه عرض کردم، من وقتی در محضر شما حجر بزنم، به شما سنگ زده‌ام؟! صاحب کفایه هم گفتند به حمل اولی زده‌ای! گفتند من به استاد بی ادبی نمیکنم ولو به حمل اولی!

منظور اینکه ایشان أبو المامکان هستند. یعنی واقعاً زحمات ایشان موجب تشکر امثال ما طلبه‌ها است. من مکرر این را عرض کرده‌ام. خب ببینید فطرت میگوید یک جمله را یک جور میشنوند و یک جور میخوانند و یک معنا هم قصد میکنند. خب معلوم است که این برای ضعف ما است. وقتی که قوی شد و بالا آمد و نشانه‌ها را توانست چند منظوره در نظر بگیرد، نمیگوید که اینها محال است. شعرها و بیتها و نثرهای مختلفی هست که چند معنا از آن اراده شده است. یا وقفه‌ای آن را چند جور میتوان خواند. شوخی ها و جدی ها هم هست. مثلاً سعدی میگوید: «مرغ هوا را نصیب ماهی دریا». البته واو دارد، ولی اگر واو آن را بندازیم اینطور میشود. همه میگفتند ماهی مرغ را میخورد یا مرغ ماهی را میخورد؟!

خب ببینید هر دوی آن‌ها ممکن است. یعنی ریخت عبارت طوری است که تاب هر دو را دارد. کسی که قوی باشد می‌تواند هر دو را اراده کند. کما اینکه در لفظ‌ها اینکه دو جور ان‌زل شود، خلاف توحد ما هست، اما چه کنیم که قرآن خودش را اسیر ما نمی‌کند. قرآن کلام خدا است. می‌خواهد بین مسلمین تا آخر تاریخ بماند. با آن حجمی که از تراث عظیمی که مسلمین برای آن فراهم کرده‌اند. قرار نیست که قرآن تابع ضعف ما بماند. این یک نکته اول.

عنوانی «یک دلیل برای تعدد قرائات» بود، جلسه‌ای که آن را خدمت شما گفتم شش تا بود، بعد هم همین‌طور به ذهنم آمد و تا الآن به بیست و یکی رسیده است. چهار-پنج هفته هم هست. هفته پنجم است که بیست و یکی شده. خواستم تذکر بدهم تا دوباره مراجعه کنید. این نکته اول بود.

---

[1]مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسين) ج۷ ص۲۱۹

[2]شاگرد:...

استاد: ایشان أبو المجد هستند و آن آقا مجد الدین هستند.

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 09:57:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 08:38:45 توسط ... .